



Shaere.ir

«چشم به راه»

مینشینم این بهاران را به راحت در غمی
نیست حتی یک خبر از سوی تو حتی کمی
خاطرات این حیاط خانه لبریز تو شد
رفته ای و مانده ام در بغض این بی همدمی

میافتم بر روزگار بی پناهی
بر هر شب خاموش من مانند ماهی
ای خاطرات رفته از دستم کجایی؟
ای خفته در آغوش دیگر اشتباهی

از تو میافم برای لحظه هایم جامه ای
تار و پودم را بنا میسازم از نو خامه ای
روزها در انتظارت خیره بر در مانده ام
شاید از این در بیاید قاصدی یا نامه ای

ستاره فرخی نژاد

۱

